

میدان

دوفصلنامه پژوهش‌های قرآنی
شماره پنجم، تابستان و پاییز ۹۸

تحلیل تأثیرگذاری مهم‌ترین منابع علوم قرآن قرن ششم

* نجمه نجم

** محمدعلی مهدوی راد

چکیده

برای جریان‌شناسی علمی منابع علوم قرآن، تحلیل تأثیرگذاری منابع مهم علوم قرآن لازم است. بررسی حاضر داده‌های تحلیلی را در مورد تأثیرگذاری مهم‌ترین نگارش‌های علوم قرآن قرن ششم بیان کرده است. بر اساس یافته‌های تحقیق می‌توان گفت که قدرت تأثیرگذاری مجمع‌البیان طبرسی بسیار بیشتر از تک‌نگاری‌های راوندی و شاطبی و اندکی بیشتر از تفسیر ابن عطیه است. تفسیر کبیر، با وجود حجم بسیار، داده‌های اندک علوم قرآن دارد و نمی‌تواند نقش کتابی جامع را حتی با تجمیع تک‌نگاری‌های فخر رازی ایفا کند. به نسبت آثار ابن جوزی، تأثیرگذاری آثار فخر رازی در علوم قرآن متوسط است؛ اما در قیاس با آثار دیگر، تأثیرگذاری فخر رازی اهمیت بیشتری دارد. با وجود خطای نگارشی در آثار متعدد ابن جوزی، کتاب جامع فنون‌الافنان با تجمیع تک‌نگاری‌های او در علوم قرآن تأثیرگذاری بسیاری در قرن ششم و دوره‌های بعد داشته است. این نتایج، دانش و بینش کمی و کیفی دانش‌پژوهان را درباره «تاریخ منابع علوم قرآن» افزون می‌کند.

واژگان کلیدی: قرن ششم، فنون‌الافنان، تک‌نگاری راوندی و شاطبی، تفسیر ابن عطیه، تفسیر فخر رازی.

*. دکتری علوم قرآن و حدیث، کادر علمی و پژوهشگر ثابت گروه تفسیر و علوم قرآن پژوهشگاه مطالعات اسلامی

جامعه‌الزهراسی» قم (نویسنده مسئول) n.najm313@yahoo.com

** . دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، پردیس فارابی دانشگاه تهران.

تاریخ دریافت ۱۳۹۹/۹/۴، تاریخ پذیرش ۱۳۹۹/۹/۲۹.

بیان مسئله

گزارش از منابع علوم قرآن بر محور زمان با معرفی نام کتب و منابع تخصصی علوم قرآن در کتب مختلف شیعه و اهل سنت موجود است. بدین ترتیب شناخت سیر نگارش‌های علوم قرآن به صورت گزارشی در قالب «تاریخ نقلی» در اختیار جامعه علمی قرار گرفته است؛^۱ اما شناختی که با بازکاوی تاریخی نگارش‌های علوم قرآن، تأثیرگذاری نگارش‌های علوم قرآن را مشخص سازد، محور توجه نبوده است. حصول این شناخت به گونه‌ای مکمل کارهای انجام شده خواهد بود و این مقاله در پی تحقق بخشی به این مهم است. بدین منظور این پژوهش با تمرکز بر سده ششم درصدد پاسخ‌گویی به این سؤال است که تأثیرگذاری مهم‌ترین نگارش‌های علوم قرآن قرن ششم به چه صورت قابل تحلیل است؟

در مورد پیشینه این تحقیق باید گفت کتاب سیر نگارش‌های علوم قرآنی محمدعلی مهدوی راد مهم‌ترین منبع شیعی معاصر بوده که در چاپ‌های مختلف از جمله سال ۱۳۸۴ به همت انتشارات هستی‌نما منتشر شده است. این اثر دارای رویکردی گزارشی و در قالب تاریخ نقلی است و در رویکرد خاص خود اثری مبنایی است؛ اما مسئله تحقیق حاضر ارائه گزارشی کیفی و تحلیلی است. کتاب درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی محمدتقی دیباری بیدگلی به طور کلی نگاهی تاریخی و پیشینه‌ای به علوم قرآن و موضوعات آن دارد. این کتاب در سال ۱۳۸۷ به همت دانشگاه قم به چاپ رسیده است. مرتبط‌ترین کتاب با این تحقیق فرهنگ‌نامه علوم قرآن (علوم و تألیفات) است که حاصل رساله دکتری ابراهیم اقبال با عنوان سیر تطور علوم قرآن بوده و به همت مؤسسه چاپ و نشر بین‌الملل در سال ۱۳۸۵ منتشر شده است. این نگاه‌ها به تعریف، تقسیم، پیدایش، سیر، پیشرفت و فهرست تألیفات علوم قرآن می‌پردازد و فهرست تألیفات را بر محور تعدادی موضوعات علوم قرآن با توجه به سیر تاریخی آن ارائه می‌دهد. سیر تطور در این کتاب به صورت گزارش تألیفات و تغییرات کمی منعکس شده و از هدف این تحقیق فاصله دارد.

آثار موجود به گونه‌ای است که به شکل سخت‌افزاری اطلاعات لازم در این زمینه را در اختیار جامعه علمی قرار داده است؛ اما بخش نرم‌افزاری در این منابع کم‌رنگ است. از این رو شناخت

۱. اهل سنت مثل معجم مصنفات القرآن الکریم علی شواخ اسحاق و معجم الدراسات القرآنیة المطبوعه و المخطوطه ابتسام مروهون صفار. نیز شیعه مثل سیر نگارش‌های علوم قرآنی محمدعلی مهدوی راد.

منابع همراه با بازکاوی تاریخی و تحلیل تأثیرگذاری کتاب جامع فنون الافنان و کتب مهم علوم قرآن قرن ششم بر یکدیگر و تأثیر این کتب بر ادامه روند نگارش‌های علوم قرآن نیازمند بررسی است. مزیت این نگارش تلاش برای تحلیل تأثیرگذاری و سامان‌دهی هدف‌مند و روش‌مند اذهان مخاطبان علوم قرآن در مواجهه با منابع تخصصی است و موجب نگاه کاربردی به تاریخ منابع علوم قرآن خواهد شد.

این تحقیق ابتدا با روش اسنادی به جمع‌آوری داده می‌پردازد و سپس با اتخاذ رویکرد تفسیری و تحلیل تاریخی (ر.ک: محمدپور، ۱۳۹۲ش، ج ۲، ص ۵۰-۵۱؛ محسنی تیریزی، ۱۳۹۵ش، ص ۱۲۳) در پی آن است که بدون پیش‌داوری به تحلیل تأثیرگذاری مهم‌ترین نگارش‌های علوم قرآن قرن ششم با محوریت کتاب جامع فنون الافنان بپردازد. تحلیل‌های برآمده از دانش‌های تخصصی تحلیل تاریخی است؛ زیرا دانشمند یک حوزه تخصصی بر اساس ابعاد ویژه و اهداف خاصی به تحلیل و تبیین روش‌مند داده‌های تاریخی دست می‌زند. غرض اصلی او شناسایی و کشف داده تاریخی نیست؛ چراکه چنین وظیفه‌ای تنها بر عهده مورخ نهاده شده و اوست که می‌تواند به کشف و تصویر واقعه‌ای دست پیدا کند. در تحلیل تاریخی، تحلیلگر، متناسب با داده‌های حوزه تخصصی خود در سیر تاریخی موضوع مورد پژوهش خویش، نتایج تحلیلی خود را گزارش می‌کند (ر.ک: اتکینسون، ۱۳۷۹ش، ص ۵۲۵؛ کار، ۱۳۷۸ش، ص ۱۳-۵۰؛ والش، ۱۳۶۲ش، ص ۸۲-۱۲۰). در ادامه با کمک تکنیک قیاسی، میزان تأثیرگذاری منابع در علوم قرآن بررسی خواهد شد. بدین ترتیب تکالیف اساسی در چرخه تحلیل این پژوهش عبارت‌اند از: شناسایی و توصیف مهم‌ترین منابع، تحلیل استقرایی داده‌ها، مقایسه و بیان تأثیر منابع.

انجام این تحقیق مستلزم گزینش منابع تأثیرگذار قرن ششم است. بدین منظور با کمک منابع علمی (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ق، مقدمه صلاح فتحی هلال، ص ۵-۳۷؛ ابن جوزی، ۱۴۰۸ق، مقدمه عتر، ص ۵-۱۲؛ علوجی، ۱۳۸۵، ص ۲۸؛ مهدوی راد، ۱۳۸۴ش، ص ۸۲-۸۴) و با ملاک قرار دادن قدمت، جامعیت، جایگاه نویسنده و شرح‌نویسی‌ها و تلخیص‌های حول کتاب و همچنین تأثیرگذاری کتاب و نویسنده آن در دوره خود و در دوره‌های دیگر، کتاب جامع فنون الافنان ابن جوزی به‌عنوان کتاب جامع قرن ششم و به‌عنوان یکی از کتب تأثیرگذار بر نگارش‌های بعدی علوم قرآن گزینش شد. همچنین مهم‌ترین منابع غیرجامع اعم از تفسیر یا تک‌نگاری مؤثر در علوم

قرآن قرن ششم^۱ گزینش شدند (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۴ش، ص ۷۴، ۷۵، ۷۷، ۸۱ و ۸۵-۸۶). علاوه بر آن چون ابن جوزی دارای تک‌نگاری‌های علوم قرآن بوده، کتب دیگر او نیز به‌طور ضمنی مورد توجه قرار گرفته‌اند (ر.ک: همان، ص ۸۳).

بر این اساس مهم‌ترین منابع علوم قرآن گزینش شده برای قرن ششم عبارت‌اند از:

جدول ۱: مهم‌ترین منابع تأثیرگذار علوم قرآن قرن ششم	
منبع جامع علوم قرآن	کتاب فنون‌الافنان ابن جوزی (۵۹۷)
منابع غیر جامع علوم قرآن	تک‌نگاری‌های علوم قرآن ابن جوزی
	تفسیر محررالوجیز ابن عطیه (۵۴۱)
	مجمع البیان طبرسی (۵۴۸)
	تک‌نگاری‌های علوم قرآن قطب‌الدین راوندی (۵۷۳)
	تک‌نگاری‌های علوم قرآن شاطبی (۵۹۰)
تفسیر و تک‌نگاری فخر رازی (۶۰۶)	

قرن ششم دوره رکود علمی و عقلی فرهنگ و تمدن اسلامی بوده است. این رکود حدوداً از اواخر قرن پنجم قمری آغاز شده است. در این دوره علوم عقلی در جهان اسلام به دلایل مختلف رو به انحطاط می‌گذارد (ر.ک: صفا، ۱۳۷۴، ج ۱، ص ۱۳۴-۱۵۱)؛ اما منابع علوم قرآن مذکور در قرن ششم علاوه بر آنکه از ذخایر نگارش‌های دوره قبل و دستاوردهای قرون پیشین به‌خصوص منابع علوم قرآن قرن چهارم و پنجم بهره‌مند شده، در مسیر توسعه و تکمیل هم قرار گرفته است (ر.ک: بلنسی، ۱۴۱۱، ج ۱، ص ۴۱-۴۶). در این مرحله، به تحلیل و بررسی تأثیرگذاری مهم‌ترین این منابع طبق جدول بالا می‌پردازیم.

۱. تحلیل تأثیرگذاری کتاب جامع و تک‌نگاری‌های ابن جوزی

۱-۱. بررسی اجمالی کتاب جامع فنون‌الافنان

کتاب فنون‌الافنان فی عجائب القرآن اثر حافظ ابی‌الفرج عبدالرحمن بن علی بن الجوزی (۵۰۸ یا ۵۱۰ هـ - ۵۹۷) از کتب مرجعی است که خلاصه اقوال متقدمان و برگزیده آرای محققان از علوم قرآن را در

۱. در طبقه‌بندی قرن، معیار سال وفات نویسنده است و تا تاریخ زیر ۱۰ در قرن بعد، جزء قرن قبل یعنی قرنی که نویسنده تا آن زمان می‌زیسته، قرار گرفته است؛ یعنی از سال ۵۱۰ تا ۶۰۹ در قرن ششم در نظر گرفته شده است.

ابواب و فصولی تنظیم کرده است. او ابواب علوم قرآن را اندکی گسترش داد و در قالب ۲۲ باب و ۶۷ فصل مطرح کرد (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۰۸ الف، ص ۲۱-۲۸۵).

نمایه ابواب اصلی فنون الافنان با محدوده مطالب آن عبارت اند از:

جدول ۲. نمایه ابواب اصلی کتاب فنون الافنان ابن جوزی					
در عدد سوره و آیات، کلمات، حروف و نقطه	در کتابت و هجا مصحف	نزول قرآن بر سبعة احرف	غیر مخلوق بودن قرآن	انواع تشابهات و تشابه معنا	فضایل قرآن
سور مکی و مدنی	بررسی سور طبق مذهب اهل کوفه	تعداد آیات سور	لغات در قرآن	وقف و ابتدا	ذکر اجزای قرآن

این کتاب عجایی از قرآن را که به تعبیر مقدمه کتاب نشان دهنده اعجاز در معنی، لفظ و نظام قرآن است، بیان می کند (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ ب، ص ۲). این کتاب از زمره اولین منابعی است که درباره مسائل مهم علوم قرآن و مباحث مورد نیاز عصر خود بحث کرده و در نتیجه منبعی برای استفاده علمای بعد از ابن جوزی بوده است. یکی از امتیازات کتاب جامع فنون الافنان باب دوازدهم و ذکر لغات وارده در قرآن با آرای مختلف و بحث تشابه لفظی بوده که برای اولین بار ابن جوزی در کتب جامع علوم قرآن مطرح کرده است (ابن جوزی، ۱۴۲۲ ب، مقدمه، ص ۱۳).

درباره حدیث احرف سبعة (ر.ک: مالک بن انس، بی تا، ص ۱)، پس از ذکر اقوال، اظهار نظر کرده، قول آخر را که مراد سبعة لهجه است، انتخاب می کند. با توجه به رواج قرائت ابو عبید قاسم بن سلام (ر.ک: مکی بن ابی طالب، ۱۳۹۹ ق، ج ۱، ص ۶۴-۶۵؛ اندرابی، ۱۴۰۷ ق، ص ۹۴؛ پاکتچی، ۱۳۷۲ ش، ج ۵، ص ۲۳۴۳) تا سده پنجم و سپس جریان ایجاد شده توسط کتاب السبعة ابن مجاهد و ایجاد ارتباط غیر معنادار قرائت سبعة با احادیث احرف سبعة توسط برخی (ر.ک: ابن جزری، بی تا، ج ۱، ص ۲۴؛ حجتی، ۱۳۶۰ ش، ص ۳۶۶-۳۷۹)، احتمال دارد نظرات ابن جوزی درباره قرائت در این دوره جایگاه خاصی یافته باشد؛ به خصوص که وی بیشتر در بوم بغداد بوده است.

۱-۲. تحلیل تأثیرگذاری نویسنده و کتاب

ابن جوزی متولد بوم بغداد، مورخ، واعظ، مفسر و فقیه حنبلی است. وی ۸۹ استاد و شیخ داشته و تقریباً رجال مشهور قرن ششم و هفتم شاگردی او را کرده اند و از این رو او را عالم و امام عصر خود

خوانده‌اند (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۴۲؛ ابن عماد حنبلی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۳۲۹). در فنون مختلف دارای تألیف بوده و شخصیتی است که مورد توجه و استناد متأخران قرار گرفته است. او سیصد تألیف دارد. تألیفات او در زمینه قرآن و علوم قرآن حدود دوازده اثر است که در زمینه‌های تفسیر، غریب القرآن، وجوه و نظایر، قرائات، متشابه، نسخ، فنون قرآن نگاشته شده؛ از جمله یک کتاب جامع علوم قرآن: فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن. این تعداد نشان از توانمندی، علم و تمکن علمی ابن جوزی در علوم قرآن دارد (ر.ک: علوجی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳).

ابن جوزی مانند سایر حنابله حشویه که سلفی و اهل ظاهرند و فقط به ظواهر آیات و روایات اعتنا و استناد می‌کنند، با فلسفه و علوم نظری مخالف بوده است. وی مثل سایر تراجم‌نویسان و علمای اهل سنت اعتقاد به تشیع را دلیل بر ضعف راوی دانسته است (ر.ک: زرکلی، ۱۹۸۹م، ج ۱، ص ۳۰۷ و ج ۲، ص ۵۶ و ۲۲۷ و ج ۳، ص ۳۱۶ و ج ۴، ص ۱۵۵، ۱۹۰، ۲۵۷ و ج ۵، ص ۳۲۱ و ج ۶، ص ۲۳۲ و ج ۸، ص ۱۷۵ و ۲۲۶؛ ابن اثیر، ۱۳۸۵، ج ۱، ص ۱۷۱).

تأثیرپذیری او از رویکرد مذهبی و علمی و شرایط آن روزگار بوم بغداد در نگارش‌های او از جمله در فنون الافنان بروز و ظهور دارد. دوران زندگی ابن جوزی مقارن با خلافت شش تن از خلفای عباسی بود. بغداد در این روزگار، همچون دیگر شهرها و مانند بسیاری از دوران‌های دیگر، پرآشوب و محل برخورد تعصب‌آمیز فرقه‌های مختلف و گروه‌های کلامی و مذاهب فقهی بود که به صورت‌های گوناگون مانند مناظره، مجادله و منازعات شدید جلوه‌گر می‌شد (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۲۵۹ و ج ۱۰، ص ۱۹۳-۱۹۴). توجه به این نکته لازم است که آثار ابن جوزی به‌ویژه المنتظم او تأثیر بسیاری بر مورخان مهمی مثل ابن کثیر، ذهبی و ابن حجر عسقلانی گذاشته و فنون الافنان هم از این امر مستثنا نیست و قابلیت تأثیرگذاری بر کتب تفسیر و علوم قرآن زمان خود و بعد از آن را داشته است (ر.ک: عالم‌زاده، ۱۳۷۷ش، ج ۳، ص ۲۶۲).

نکته مهم آنکه سبک نگارش او در متن فنون الافنان به گونه‌ای است که نظام گفتمانی کتاب را با توجه به ابعاد سیاسی خلافت عباسی، توجه به مذهب حنبلی، توجه دقیق به مباحث فرهنگی و تاریخی عصر خود و مخاطبان قرن ششم در قالب گفتمان مرکزی دینی و علوم قرآنی تقریر کرده است. در برخی تحقیق‌ها به‌طور جزئی به تأثیرات سیاسی و اجتماعی در نگارش‌های ابن جوزی پرداخته شده است (ر.ک: همان، ص ۲۷۴).

با توجه به آنکه در قرن ششم اقسام علوم قرآن به معنای جمع علوم للقرآن، علوم فی القرآن و

حتی حول القرآن (ر.ک: موسوی دارابی، ۱۴۲۲ق، ج ۱، ص ۱۲ - ۱۵) رایج بوده، کتاب فنون الافنان کتاب جامع‌نگاری در نظر گرفته شده است؛ اما امروزه با توجه به تطور و تحولاتی مثل شکل‌گیری علم تفسیر به‌طور مستقل، علم تجوید به‌طور جداگانه و تفکیک بحث کلامی مرتبط با قرآن از علوم قرآن، جامع دانستن فنون الافنان به سبک معاصر بدون مباحث نسخ و تحریف، دقیق نیست. البته اگر مراد از جامع‌نگاری در زمینه علوم قرآن کتابی باشد که در تنظیم و تدوین آن مجموعه‌ای از مباحث مثل تاریخ قرآن، رسم‌النخط، قرائت، تحریف‌ناپذیری، اعجاز، مکی و مدنی، سبب نزول، نسخ، محکم و متشابه به‌طور تجمیعی یا گزینش چند موضوع علوم قرآن مد نظر بوده (ر.ک: مهدوی راد، ۱۳۸۴ش، ص ۸ و ۱۰)، با گزینش چند موضوع مهم هم می‌توان کتاب را جامع دانست. در مجموع کمی بیش از نصف فنون الافنان به سبک معاصر شامل مباحث علوم قرآن است. علاوه بر آن، ذکر امهات مباحث تفسیری و تجوید در کتاب علوم قرآن در آن زمان مطلوب بوده است. لذا با لحاظ این نکته و فارغ از دیدگاه رایج در دوره معاصر (ر.ک: زرقاتی، ۲۰۰۱م، ص ۲۹ - ۳۵. صالحی کرمانی، ۱۳۶۹ش، ص ۸۱ - ۸۴. دیاری، ۱۳۹۴ش، ص ۵ - ط و ص ۴ - ۷) و همچنین تجمیع عناوین تک‌نگاری‌های علوم قرآن ابن جوزی به عناوین فنون الافنان، مباحث علوم قرآن ابن جوزی جامعیت دارد.

از طرف دیگر، عوامل مختلفی بر فنون الافنان ابن جوزی تأثیرگذار بوده است. رویکرد معرفتی ابن جوزی در اکثر موارد تفسیرگرایانه است؛^۱ چرا که تا حدودی تحت تأثیر عواملی چون مذهب، تخصص، تعلیم استاد، شرایط سیاسی و حکومت، ظاهرگرایی و مخالفت با فلسفه در نگارش فنون الافنان قرار گرفته است. البته درست است که حریت داشت و حتی به نقد و موعظه حاکمان اهل سنت پرداخت (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۱۰، ص ۲۵۸ - ۲۵۹) و از امور سیاسی پرهیز کرد (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۰۷، ج ۱، ص ۸۰۷ - ۸۲۲) و حتی مناقب علی علیه السلام را با صراحت بیان کرد (ر.ک: همان، ص ۵ و ۵۰۳؛ علوجی، ۱۳۸۵، مقدمه، ص ۳ - ۹)؛ اما روایان شیعه را ضعیف می‌دانست و در نتیجه در نقل

۱. در رویکرد ذات‌گرایی رفتار انسان تحت روابط نهادی در جامعه تعیین می‌شود و بر همین اساس رفتار فردی تحت نیازهای نهادها شکل می‌گیرد و ابراز می‌شود. به‌عبارتی ساختار اجتماعی رفتار اعضایش را یک‌سویه تعیین می‌کند. در رویکرد تفسیرگرایی، رفتار انسان محصول طرقی است که در آن افراد دنیای اجتماعی را تفسیر می‌کنند. ساختارهای اجتماعی هرچند بر رفتار اعضا تأثیرگذار است، تعیین‌کننده نیست (ر.ک: فی، ۱۳۹۰، ص ۱۷۵ - ۱۷۹؛ آزادارمکی، ۱۳۸۳ش، ص ۱۱ - ۵۳؛ آب روشن، ۱۳۹۸ش).

روایات علوم قرآن از مطالب آنان استفاده نمی‌کرد (ر.ک: عالم‌زاده، ۱۳۷۷ش، ج ۲، ص ۲۶۲). نگاه و اندیشه استادان، مسائل روز و چالش‌های علمی روز هم بر او مؤثر بوده است؛ اما گاهی در برخی بخش‌ها به نظر می‌رسد قدرت سیاسی و فکری حاکم و همچنین افکار مذهبی بیشتر از سایر موارد بر فنون‌الافغان او تأثیر گذاشته است؛ تا آنجا که گاهی نظرات شیعه را متعصبانه رد می‌کند (ر.ک: همان، ص ۲۷۴-۲۷۵).

ابن جوزی به‌عنوان شخصیت علمی عصر خود مطرح و تأثیرگذار بوده؛ اما به دلیل مخالفت‌های مشهوری که با مسائل خاصی چون بدعت، تصوف و محدودیت عقل داشته (ر.ک: ذهبی، ۱۴۱۹ق، ج ۴، ص ۱۳۴۲؛ ابن‌عماد حنبلی، ۱۹۸۶م، ج ۴، ص ۳۲۹) و حتی به‌طور ویژه از برخی نکات و شخصیت‌های غزالی انتقاد کرده (ر.ک: ابن‌جوزی، ۱۴۱۲ق، ج ۹، ص ۱۶۹-۱۷۰ و ج ۱۷، ص ۱۲۴-۱۲۷)، این‌گونه اظهارنظرها و تکرار مخالفت‌های او در مباحث پرحاشیه و در مورد شخصیت‌های مهمی چون غزالی باعث شده شخصیت علمی او بیش از پیش تأثیرگذار و جریان‌ساز شود.

می‌توان گفت ابن‌جوزی با شخصیت فردی و علمی‌ای که از خود نشان داده، تقریباً متعادل است. متعادل با این توجیه که برخی تناقض‌ها در رفتارها و واکنش‌های او شاید به دلیل اقتضانات هر موضوع بوده است؛ برای مثال با آنکه تعصب داشته، به فضایل اهل بیت علیهم‌السلام بی‌اعتنا نبوده؛ تا آنجا که برخی حنبلیان او را حنبلی نمی‌دانند (ر.ک: عالم‌زاده، ۱۳۷۷، ج ۳، ص ۲۶۲) یا در مواجهه با حاکمان وقت و منازعات آن دوره، از طرفی جبهه‌گیری خاص یا تنش‌قابل‌گزارشی میان او و حاکمان دیده نشده است. حتی طبق نکات پیش‌گفته در کتاب المنتظم خود، آن‌چنان‌که مورد انتظار است، از شرایط مردم و نگرانی‌های آنان نکته‌درخور توجهی نگفته است. از طرف دیگر وقتی حاکمان پای منبر موعظه او می‌آمدند، به‌طور خاص آنها را به نفع مردم و جامعه و صفات اخلاقی موعظه می‌کرده است.

پس در مجموع با حذف تناقض‌های رفتاری، گفتاری و نوشتاری موجود در مورد او، می‌توان گفت شاید حکمت تفاوت‌ها به دلیل مصلحت‌سنجی و توجه به اقتضانات برای ایفای رسالت علمی بوده است. او سعی می‌کرده با پرهیز از حواشی و محدودیت‌های احتمالی که ممکن بود حاکمان ایجاد کنند، در محیطی فارغ از حواشی، رسالت علمی و موعظه‌گری خود را دنبال کند. اگر چنین باشد، می‌توان او را شخصیتی دانست که سعی می‌کرده در نگارش‌های خود هم از حواشی پرهیزد و هم متعادل و فراتر از عوامل اجتماعی و سیاسی و اقتصادی فقط به جهات علمی مباحث از جمله نگارش‌های علوم قرآن خود توجه کند.

۱-۳. تک‌نگاری‌های ابن جوزی در علوم قرآن

ابن جوزی یک کتاب تفسیری شامل مباحث علوم قرآنی دارد و برخی تک‌نگاری‌های او عبارت‌اند از: دو کتاب وجوه و نظایر؛ قرائت مختار در چهار جزء؛ جزوات متشابهات؛ یک رساله تک و یک رساله پنج‌قسمی در باب نسخ (ر.ک: علوجی، ۱۳۸۵، ص ۲۲۳). در کتاب تفسیری زادالمسیر، روش کلی ابن جوزی پرداختن به فضیلت، نزول و عدد آیات سور، سپس اسباب النزول، لغت و شواهد بر آن، معنای کلمه و اقوال مفسران است. بعد از آن به احکام مأخوذ از آیه، ناسخ و منسوخ و قرائات می‌پردازد و در نهایت مطالبی را در تکمیل تفسیر آیات بیان می‌کند (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ الف، مقدمه، ص ۱۶۰-۱۶۵). او در فصل ۱۸۹ کتاب صیدالخواطر (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۱۶۵-۱۸۲) به مباحث کلامی و مرتبط با متشابه و تأویل پرداخته است. رساله نواسخ القرآن و عدة الراسخ فی معرفة المنسوخ و الناسخ او از دسته کتب نسخی است که هم بحث مفهومی دارد و هم بحث مصداقی. ابن جوزی بیش از دو‌ست آیه را به‌عنوان آیه منسوخه در رساله ذکر کرده و روایات مرتبط با اهمیت و مضمون نسخ را آورده است (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۲۲ ج، ص ۱۲۵-۱۳۴). در کتاب‌شناسی محکم و متشابه (ر.ک: سعیدی‌زاده، ۱۳۷۹ ش، ص ۳۸۷-۴۰۱) نام سه کتاب از ابن جوزی مشاهده می‌شود که نسخه خطی است: سه نسخه خطی موجود؛ تذکرة المنتبه فی عیون المشتبه (عربی)؛ مجالس فی بیان المتشابه فی الآیات القرآنیة (عربی)؛ زهدة الاعین و النواظر فی علم الوجوه و النواظر (عربی). همچنین کتاب المجتبی فی علوم تتعلق بالقرآن ابن جوزی شامل مباحث مرتبط با علوم قرآن است (ر.ک: ابوشهبه، ۱۴۱۷ ق، ص ۲۶).

تک‌نگاری‌های علوم قرآن ابن جوزی ابعاد خاص و متنوعی داشته و منشأ اثر بسیاری بوده است. همان‌طور که ملاحظه شد، وی جزو شخصیت‌های علمی است که برای شناخت ابعاد فرهنگی، اجتماعی و سیاسی عصر او باید به سراغ کتاب‌های پرمخاطب خود او رفت.^۱ هرچند کتاب

۱. گفتنی است کتاب صیدالخواطر هم مثل المنتظم به مسائل سیاسی، اجتماعی و فرهنگی روزگار ابن جوزی اشاره می‌کند؛ مثلاً ابن جوزی در صیدالخواطر تصویری از روزگار خود درباره مردم، مدارس، ریاط‌ها و خانقاه‌ها و دولتمردان ارائه می‌کند. ابن جوزی روزگار خویش را دوران ریا، شهرت‌طلبی، عوام‌فریبی و مریدپروری می‌خواند (ر.ک: ابن جوزی، ۱۴۰۷ ق، ج ۱، ص ۴۴۵-۵۱۰). تلبیس ابلیس ابن جوزی همچون یک سند مهم تاریخ فکری و اجتماعی دنیای اسلام در قرن ششم است (برای مثال، ر.ک: ابن جوزی، ۱۳۶۸، ص ۱۶۵). به تعبیر یکی از محققان، شاهکاری است در روان‌شناسی اعتقاد و کردار (ذکاوئی قراقرلو، ۱۳۶۸ ش، مقدمه مترجم). از طرفی نکات نقادانه دکتر ابراهیمی دینانی در مورد این کتاب خواندنی است (ر.ک: دینانی، ۱۳۷۶ ش، ص ۶۱).

فنون الافنان او نمی‌تواند کتاب جامع علوم قرآن مشابه معنای اراده‌شده از کتاب جامع در کتب متأخر و معاصر باشد؛ اما با احتساب تک‌نگاری‌های او در کنار ساختار، کارکرد و محتوای کتاب فنون الافنان، دیدگاه جامعی را از او در علوم قرآن در معنای امروزی خواهیم دید. با لحاظ کتاب جامع و نزدیک به ۲۸ تک‌نگاری، مسلماً این جوزی را جزو نویسندگان مؤثر در عرصه مباحث جامع علوم قرآن باید دانست.

۲. تحلیل تأثیرگذاری مهم‌ترین منابع غیرجامع

برای تحلیل درست تأثیرگذاری مهم‌ترین منابع علوم قرآن قرن ششم، توجه به کتاب‌های غیرجامع تأثیرگذار در علوم قرآن زیر لازم است:

۲ - ۱. تفسیر محرر الوجیز ابن عطیه

تفسیر محرر الوجیز نگارش ابن عطیه اندلسی، مفسر و محدث مالکی از رجال سیاسی اندلس (۴۸۱ - ۵۴۱ق)، متنی تفسیری است که در سال ۵۲۹ تألیف شده و در آن به مباحث علوم قرآن توجه شده است (ر.ک: ابن عطیه اندلسی، بی‌تا، ج ۱، مقدمه محقق، ص ۲۹). مجموعه مباحث در قالب عناوین مصطلح علوم قرآن امروز بر محور قرائت و احرف سبعه، آیات الاحکام، سبب نزول، مکی و مدنی و همچنین جمع قرآن متمرکز است. رقابت نزدیک بین تفسیر ابن عطیه در مغرب با الکشاف زمخشری معتزلی در مشرق موجب شده که اهل تفسیر به مقایسه آن دو بپردازند. ابن تیمیه تفسیر ابن عطیه را بیش از کشاف پیرو سنت و به دور از بدعت شمرده است. ابوحنیفان آن را در جامعیت و خالص بودن برتر از الکشاف دانسته و الکشاف را در اختصار و عمق بر آن ترجیح داده است. از وجوه تمایز تفسیر ابن عطیه از الکشاف می‌توان به عنایت بیشتر ابن عطیه به نقل قرائات و احادیث اشاره کرد. ابن عطیه توجه خاصی به اختلاف قرائات نموده و به نقل قرائات مشهور و شاذ و نام قاریان و راویان نیز تصریح کرده است. البته باید در نظر داشت که معاصر بودن دو تفسیر سبب شده روش علمی، ادبی و بلاغی آن دو به هم شباهت پیدا کند. گرچه اختلاف مذهب دو مفسر، اختلاف در استنباط احکام و استدلال‌های آن و اختلاف در روش اجتهادی، تفاوت‌هایی را هم به‌طور طبیعی به همراه داشته است (ر.ک: ابن عطیه، بی‌تا، مقدمه محقق؛ زمخشری، ۱۳۸۹، مقدمه).

نکته درخور تأمل اینکه دو تفسیری که از نظر سبک و روش تقریباً مشابه یکدیگرند، به دلیل تفاوت در مذهب (آن هم نه شیعه با اهل سنت، بلکه معتزله با مالکی)، تخصص‌ها و گرایش‌های

علمی، استادان و مسائل برجسته مکان خود، میزان زیادی از تغییر و تطور در مباحث علوم قرآن و تفسیر آنها را در یک عصر می‌توان دید. از طرف دیگر، اشتراکات نظر و نگارش به واسطه دغدغه مشابه، هم‌دوره بودن و توجه به سبک و نظم خاص در ارائه، توجه به قرائت و سبب نزول صحیح و غیره در نتایج متنی و محتوا و گاهی ساختار آنها مشهود است (ر.ک: ابن عطیه، بی‌تا، مقدمه محقق؛ زمخشری، ۱۳۸۹، مقدمه؛ بلنسی، ۱۴۱۱ق، چکیده و نتیجه؛ انصاری، ۱۳۷۷ش، ج ۴، ص ۲۱۴ - ۳۱۶).

کتاب المحرر الوجیز جامع بین منقول و معقول است و از تفسیر طبری بسیار نقل می‌کند، آیات الاحکام را بر اساس مذهب مالکی بررسی و تفصیل می‌کند و نقدهایی نیز بر ابن حزم اندلسی ظاهری وارد می‌کند و به مذاهب فقهی دیگر ورود نمی‌کند. نیز در نقل اسرائیلیات و قصص قرآنی به حداقل اکتفا کرده، هنگام ضرورت نقل، به نقد آنها می‌پردازد. همچنین بر مفسرانی که کتب خود را مملو از این‌گونه قصص و اسرائیلیات کرده‌اند، خرده می‌گیرد. در مسائل کلامی و بررسی آیات متشابه، اشعری مسلک است و با معتزله به مجادله برمی‌خیزد؛ مانند آیه ۱۶۴ سوره نساء ﴿وَكَلَّمَ اللَّهُ مُوسَى تَكْلِيمًا﴾ در معنای کلام یا آیه ۱۰۳ سوره انعام و مسئله رؤیت خداوند در آخرت و تأویل ﴿لَا تُدْرِكُهُ الْأَبْصَارُ وَهُوَ يُدْرِكُ الْأَبْصَارَ﴾ (ر.ک: ابن عطیه، بی‌تا، ج ۲، ص ۱۳۷ و ۳۳۰).

در مجموع محرر الوجیز به‌عنوان یکی از تفاسیر تأثیرگذار در علوم قرآن در مجامع شیعی و اهل تسنن محل توجه بوده است و ابن عطیه بیشتر رویکرد معرفتی تفسیرگرا در نگارش مباحث مرتبط با علوم قرآن دارد.

۲ - ۲. مجمع البیان طبرسی

بخش زیادی از مباحث علوم قرآن را لابه‌لای تفسیر مجمع البیان طبرسی (۴۶۸ - ۵۴۸ق) می‌توان دید. طبرسی با سامان‌دهی منطقی و قابل تحسین علوم قرآن به مباحث تفسیری پرداخته است. وی در آغاز هر سوره به بررسی اختلاف در مکی یا مدنی بودن سوره و شمار آیات آن می‌پردازد و ادله اختلاف قرائت‌ها را بررسی می‌کند. همچنین ذیل عنوان اللغه به بررسی واژه‌های دشوار پرداخته، در بخش الاعراب دیدگاه‌های صرفی و نحوی آیات را مورد دقت قرار می‌دهد. وجوه و نظایر، اسباب‌النزول، وجوه اعجاز، محکم و متشابه و نسخ از جمله محورهای دیگر مورد اهتمام در این تفسیر بوده که جزء طبقه‌بندی علوم قرآن است (ر.ک: شایسته‌نژاد، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۴۲).

گفته می‌شود شیخ طبرسی تفسیر مجمع البیان را در مدت هفت سال و با اقتباس از تفسیر تبیان

شیخ طوسی نگاشته است (ر.ک: همان)؛ اما با بررسی تمام جلدهای کتاب التهذیب فی التفسیر^۱ حاکم بیهقی جشمی (۴۱۳ - ۴۹۴) روشن می‌شود طبرسی تفسیر خود را با بهره‌گیری از این کتاب تدوین کرده و هریک از فنون مختلف قرآنی را جدا از هم و در قالبی منظم و مرتب بیان کرده است. علاوه بر آن طبرسی چندین مرتبه در مجمع‌البیان از جواهر القرآن و نتائج الصنعه اثر جامع‌العلوم باقولی اصفهانی (۵۴۳) ادیب، نحوی و مفسر قرن ششم نام می‌برد و نظرات او را مطرح می‌کند (ر.ک: طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۵، ص ۷۳، ۲۰۸، ۲۳۲ و ج ۱۰، ص ۶۳۹ و ۸۳۹). محقق کتاب جواهر القرآن باقولی طبرسی را تحت تأثیر باقولی می‌داند (ر.ک: باقولی، ۱۴۴۰ق، ج ۱، ص ۱۳)؛ اما با بررسی مجلدات جواهر توسط نگارنده به همراه مطالب نقل شده از باقولی در مجمع (ر.ک: باقولی، ۱۴۴۰ق، کل مجلدات؛ نیز برای مثال طبرسی، ۱۴۰۸ق، ج ۱۵، ص ۷۳ و ج ۱۰، ص ۶۳۹)، تأثیرپذیری طبرسی از باقولی صحیح ارزیابی نمی‌شود، بلکه می‌توان ادعا کرد نظرات باقولی در برخی قسمت‌ها به‌عنوان یک صاحب‌نظر، مورد پسند طبرسی واقع شده و از آن بهره برده است.

اما نکته‌ای که با بررسی تمام مجلدات التهذیب توسط نگارنده روشن شد (ر.ک: بیهقی جشمی، ۱۴۴۰ق، مجلدات ده‌گانه)، تأثیرپذیری بسیار طبرسی از نظم و سبک تفسیری و حتی تأکید علمی حاکم جشمی بر سبب نزول است. حاکم جشمی در تفسیر آیات و بررسی لغوی آیات، اعراب، معنا، ادله و احکام آن به شأن نزول، نظم آیات، فقه و قصه توجه داشته و در فهم معانی آیات، اغلب از تفاسیر قدما بهره‌مند شده و در نقل اقوال دقت بسیاری کرده است. وی به بعضی وجوه اختلاف اشاره می‌کند و گاهی همه را محتمل می‌داند و گاهی یک قول را ترجیح می‌دهد. در بعضی موارد، اعتراض‌هایی در فهم بعضی معانی ایراد و بعضی از آنها را هم دفع کرده است. مشابه همین رویکرد را طبرسی پیش گرفته که در نگاه اول ابتکار عمل او به نظر می‌آید؛ تا جایی که دانشمندان شیعه و سنی مجمع‌البیان را بر بسیاری از تفاسیر دیگر برتری داده و آن را به‌خاطر نظم و سبک کار ستوده‌اند (برای مثال، ر.ک: شایسته‌نژاد، ۱۳۸۹ش، ج ۲، ص ۴۲)؛ اما با بررسی آثار مذکور، تأثیرپذیری و تقلید طبرسی بیشتر از خلاقیت علمی و نگارشی او ارزیابی می‌شود.^۲

۱. در ابتدای شروع تفسیر خود در مقدمه‌ای کوتاه علوم قرآن را با واژه «کثیر» یاد می‌کند و مهم‌ترین آنها را به ترتیب هشت مورد می‌داند: قرانت و وجوه و علل آن، مباحث لغوی، اعراب، نظم، معنا و محتوا، نزول، ادله توحید و ادله شرانغ مثل محکم و مشابه و نسخ، مکی و مدنی، اخبار و قصص (بیهقی جشمی، ۱۴۴۰ق، ج ۱، ص ۳۹).

۲. در اواخر قرن چهارم در بغداد، بحث از قرانت‌های هفت‌گانه و مصحف عثمان و روایت‌های ناظر به جمع و تدوین ←

علاوه بر آن، محققى پس از بیان نظریات حاکم جشمی در مهم‌ترین قسمت‌های علوم قرآن مثل نزول و نقل قرآن، فضایل و نسخ قرآن، اعجاز و مقدمات و علت اعجاز قرآن به بررسی جایگاه حاکم و تفسیر او نزد علما و عامه مردم پرداخته و معتقد است تفسیر حاکم اولین کتابی است که در بردارنده خلاصه‌ای دقیق از مهم‌ترین تفاسیر معتزله در قرن سوم مخصوصاً تفسیر جبائی و ابو مسلم است و اثر بسیاری در تفسیر زمخشری، طبرسی و سایر مفسران داشته است (ر.ک: زرزور، ۱۳۹۱ق).

با همه این اوصاف به هر حال، نظم خاص مجمع‌البیان (ولو با تقلید) با مؤلفه‌های دیگری ممزوج شده و سبب گردیده این کتاب تفسیری منبع خوبی برای تعدادی از مباحث علوم قرآنی باشد و در آن دوران برجسته شود. با وجود چاپ‌های مکرر و متعدد مجمع‌البیان، کتاب التهذیب فی التفسیر در سال‌های اخیر اولین چاپ و تصحیح آن منتشر شده است. در نتیجه مجمع‌البیان به‌عنوان یک منبع با کارکرد تفسیری به لحاظ شاخص منبع جامع علوم قرآن به‌طور مطلوبی در عصر خود تأثیر گذاشته است. البته اگر بخواهیم آن را از حیث جامع بودن با کتب هم‌عصر طبرسی مثل فنون‌الافنان مقایسه کنیم، باید قاطعانه بگوییم به‌عنوان یک منبع جامع در علوم قرآن مطرح نخواهد بود.

در مجموع متناسب با شرایط و اقتضائات دوره طبرسی، کتاب او به‌عنوان منبعی تفسیری که نگاه مطلوبی به علوم قرآن داشته (با هدف گذاری و کارکرد تفسیری به تعدادی از مباحث علوم قرآن هم توجه کرده)، تا به امروز میان شیعه و اهل سنت حایز اهمیت و تأثیرگذار بوده است. با وجود این از حیث ساختار، ارزش افزوده‌ای ندارد؛ ولی به جهت محتوا دارای نکات مطلوبی است. البته تأثیر و جریان‌سازی محتوای علوم قرآن نیز بیشتر به جهت نقل مطالب علوم قرآن از قلم یک شیعه است، نه ابتکار یا نوآوری خاصی در مباحث علمی علوم قرآن.

→ قرآن موضوع مناقشه‌برانگیزی بوده است؛ اما از آنجاکه متن‌های تفسیری مختلف هنوز منتشر نشده و تفاسیر قرآنی بسیاری از قرن چهارم و پنجم هنوز به‌صورت خطی باقی مانده، نمی‌توان به‌طور کامل از انعکاس مجادلات اخیر و تأثیر آن بر مفسران آن دوران سخن گفت. اما اکنون در برخی تفاسیر منتشر شده از قرن پنجم و هفتم هجری می‌توان سرخ‌هایی از موضوع اخیر یافت. به‌تازگی بورس فاج در تک‌نگاری خود درباره مجمع‌البیان (ر.ک: رحمتی، ۱۳۹۳ش، ص ۴۱ - ۴۸)، نکات مفیدی درباره بهره‌گیری طبرسی از تفاسیر معتزلی آورده است. فاج به تفسیر التهذیب حاکم جشمی اشاره کرده و گفته تقریباً قطعی است که طبرسی از التهذیب حاکم جشمی یا منابع مشترکی استفاده کرده است (نگارنده نیز در بررسی مجلدات کتاب التهذیب موافق تأثیرپذیری و حتی تقلید طبرسی از سبک و روش کار حاکم جشمی است).

۲-۳. تک‌نگاری‌های علوم قرآن راوندی

تألیفات قطب‌الدین راوندی (۵۷۳) در علوم قرآن، فقه‌القرآن، نسخ، اعجاز و سبب نزول است که در فقه‌القرآن با تأثیرپذیری از سید مرتضی و ابتکارات خود در قرن ششم نقش‌آفرین بود. شخصیت او به تناسب عوامل محیطی و مباحث مورد نیاز روز که موجب انتخاب بحث تک‌نگاری فقه‌القرآن شده، اهمیت دارد. از طرفی تأثیرپذیری از استاد و در عین حال پویایی و ابتکار عمل او ستودنی است (ر.ک: راوندی، ۱۳۹۴ق، ص ۲۷؛ همو، ۱۴۰۵ق، ص ۱۰-۱۱).

در نتیجه راوندی در بحث فقه‌القرآن، هم به لحاظ کارکرد و هم به لحاظ ساختار و محتوا، تحول ایجاد کرده است؛ اما کتاب جامعی در علوم قرآن ندارد. با در نظر گرفتن این نکات و تجمیع تک‌نگاری‌های دیگر او در بحث علوم قرآن، می‌توان گفت وی تأثیرگذاری متوسطی داشته است.

۲-۴. تک‌نگاری‌های علوم قرآن شاطبی

ابومحمد قاسم بن فیره بن ابی‌القاسم شاطبی شافعی (۵۳۸-۵۹۰ق)، علاوه بر قرائت، در تجوید و تفسیر قرآن، حدیث، نحو، لغت و سایر علوم دینی متداول عصر خود از دانش خوبی برخوردار بود. او از مشاهیر قاریان قرآن به شمار می‌رفت و به امام‌القراء شهرت داشت. شاطبی به‌عنوان امام‌القراء در آن دوره با نگارش‌های قرائت خود تأثیرگذار بود (شاطبی، بی‌تا، مقدمه).

شاطبی به‌طور خاص برای نگارش کتاب حرز‌الامانی و وجه‌التھانی، کتاب التیسیر فی‌القراءات السبع حافظ ابوعمر و دانی را به لحاظ محتوایی ملاک کارش قرار داده و در واقع مطالب این کتاب را در قالب نظم بیان کرده است و اضافاتی بر آن دارد که با استقبال مخاطبان مواجه شد (ر.ک: شاطبی، بی‌تا، مقدمه؛ دانی، ۱۴۰۴ق؛ حمیتو، ۱۴۲۵ق، ص ۴۳-۴۷ و ۸۳). همچنین شروح موجود کتاب شاطبی نشان‌دهنده اقبال مخاطبان به کتاب اوست.^۱ نیز کتاب عقيلة أتراب القصاصد فی أسنی المقاصد که «الرأیة»، «العقيلة» و «الشاطبية الصغرى» هم نامیده شده و موضوعش رسم‌الخط مصحف عثمانی است، در دوره وی مفید بوده است (ر.ک: حمیتو، ۱۴۲۵ق، ص ۱۴۳-۱۹۸).

در مجموع شاطبی در نگارش‌های علوم قرآن دوره خود تأثیرگذاری کم‌رنگی داشته و تأثیرات کتاب قرائت او هم بیشتر به دلیل تقلید ساختاری، محتوایی و کارکردی از دانی قرن چهارم است؛ ولی با توجه به جایگاه اجتماعی و اعتماد حکومت و مردم به او و لقب امام‌القرائی‌اش، توانسته بیشتر از دانی در بحث قرائت نقش‌آفرینی کند.

۱. سه شرح در کتابخانه اینترنتی شاطبی و ذخائر (فروشگاه اینترنتی متون کهن) در دسترس است <https://mzi.ir/downloads>.

۲- ۵. تفسیر کبیر و تک‌نگاری فخر رازی

فخر رازی (۵۴۴-۶۰۶ق) فقیه، متکلم، فیلسوف، مفسر و حکیم مسلمان ایرانی است. کتاب‌هایش در دوران حیاتش بسیار مورد استقبال قرار گرفت و به‌عنوان کتب درسی از آنها استفاده می‌شد. بسیاری از اندیشمندان فخر رازی را نخستین کسی می‌دانند که فلسفه و کلام را به هم آمیخته و از این نظر الگوی بسیاری از متکلمان پس از خود شده است (ر.ک: خوانساری، ۱۳۹۰ش، ج ۸، ص ۲۶).

فخر رازی خطیبی بود که مردم خراسان برای شنیدن سخنانش شوق و رغبت بسیار داشتند. او مورد احترام فوق‌العاده شاهان و امیران و وزیران روزگار خود قرار داشت و از ثروت و اعتبار فراوان برخوردار شد. در جدل و مناظره سخت نیرومند بود. سبک فخر رازی که در کلام اشعری مسلک و در فقه شافعی مذهب بود، در تأثیرگذاری او نقش داشت؛ چراکه وی از طرفی به نقد جدی معتزله و کرامیه می‌پرداخت و از طرف دیگر به حب و احترام اهل بیت علیهم‌السلام اعتقاد داشت. در نتیجه نشان می‌داد که با عنایت به ارادت به مذاهب اشعری و شافعی، آزاداندیش است و تحت تأثیر مذهب یا تعصب خاصی قرار نمی‌گیرد (ر.ک: عماری، ۱۳۸۸ق، مقدمه؛ آل‌جعفر، ۱۹۸۰م، ص ۱۹۰).

از فخر رازی آثار متعددی در علوم عقلی و نقلی برجای مانده است که مهم‌ترین آنها مفاتیح‌الغیب مشهور به تفسیر کبیر است. او در تفسیر، هر سوره را با ذکر نام آن، محل نزول، تعداد آیات و اقوال مربوط به آن آغاز کرده، سپس با ذکر یک یا دو یا چند آیه از آن سوره، توضیح کوتاهی درباره مناسبت آنها با آیات قبلی داده است. این ویژگی از امتیازات بارز این تفسیر است (ر.ک: فخر رازی، ۱۳۷۱، ج ۱، ص ۳۷). سپس چنانچه روایت یا حدیثی از پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم، صحابه یا تابعین درباره آیه وجود داشته، آنها را بررسی کرده یا به ذکر مسائلی چون ناسخ و منسوخ یا شرح مصطلحات حدیثی (مانند متواتر و آحاد و جرح و تعدیل) پرداخته است. آن‌گاه آیه یا آیات مورد نظر را به کوچک‌ترین اجزای مفهومی تجزیه کرده و تحت عناوینی چون مسئله، سؤال، وجه، اقوال و امور از ابعاد مختلف کلامی، فلسفی، لغوی، ادبی، فقهی و مانند اینها به بررسی و تفسیر آنها پرداخته و در پایان نظر خود را بیان کرده است. این بحث‌های تفصیلی و پرداختن به ابعاد گوناگون یک مسئله از ویژگی‌های بارز و منحصر به فرد تفسیر کبیر است. با بررسی در جلد‌های مختلف تفسیر کبیر، درمی‌یابیم که درصد کمی از این تفسیر حجیم بر مباحث علوم قرآن متمرکز است (ر.ک: سیوطی، ۱۳۸۷ق، ج ۴، ص ۲۴۳).

در نتیجه مطالب بالا، تأثیر عواملی چون گرایش علمی و تخصص فخر رازی در نگارش تفسیر و مباحث علوم قرآن بارز است. ابتکار عمل او در تلفیق کلام و فلسفه و استفاده از منطق در سبک

تفسیری و نگارش مطالب علوم قرآن او نیز نمایان می‌شود. همچنین وی به نقل روایات اسباب نزول و ذکر قرائت‌های مختلف اهتمام فراوانی داشته است. تأثیرگذاری او در بحث تناسب سور و توجه او به سیاق بسیار اهمیت دارد. فخر رازی، ضمن دفاع از مذهب کلامی ابوالحسن اشعری (۳۳۴) و رد آرای مخالفان وی به‌ویژه معتزله، آزاداندیشی خویش را به فراخور خود حتی در رد برخی نظرات شافعی و ذکر خیر از اهل بیت علیهم‌السلام نشان می‌دهد (ر.ک: ذهبی، بی‌تا، ج ۱، ص ۲۰۸؛ سلمانی، ۱۳۷۵ش، ج ۷، ص ۹۳).

فخر رازی فردی جامع‌الاطراف و دارای ذهنی جستجوگر، تحلیلگر و نقاد بوده و با اشراف بر آرای فلاسفه، به‌رغم مخالفتش با بسیاری از نظریات فلاسفه، از روش قیاسی و برهانی و برخی آرای فلسفی برای تثبیت پایه‌های علم کلام استفاده کرده و این نکته در تفسیر آیات متشابه او نمود دارد. برخلاف متکلمان که فلسفه یونانی یا مشائیان را یک‌سره رد می‌کردند، امام رازی از بسیاری از مباحث فلسفه یونان انتقاد کرد؛ درحالی‌که برخی از آنها را نیز پذیرفت (ر.ک: داوودی، ۱۴۰۳ق، ج ۲، ص ۲۱۷؛ انصاری، ۱۳۹۴ش، ص ۲۰؛ شریف میرمحمد، ۱۳۷۰، مقدمه، ص ۲-۱۹؛ فاخوری و الجبر، ۱۳۶۷، مقدمه، ص ۳-۱۱).

ظهور و بروز موارد بالا در کتاب اعجاز او مشهود است. فخر رازی در کتاب اعجاز که دارای مباحث مهم علوم قرآن است (ر.ک: فخررازی، ۱۴۰۶ق، ص ۲۵)، دو کتاب اسرارالبلاغه و اعجازالقرآن عبدالقاهر را در هم آمیخته و با پیرایش و آرایش در قالب کتاب نه‌ایة الایجاز و درایة الاعجاز نگاشته است. هرچند غزالی و فخر رازی از زمره علمایی هستند که هم‌طراز با هم به مبحث نبوت، ادله آن و مباحث اعجاز پرداختند، فخر رازی اولین کسی است که اعجاز علمی و بلاغی را با هم مطرح کرده است (ر.ک: سلمانی، ۱۳۷۵ش، ج ۷، ص ۹۳).

در مجموع فخر رازی، با حجم و تعداد بسیار نگارش‌های تأثیرگذار در دوره خود، تأثیر فراوانی در ساخت الگوی جدید از تلفیق فلسفه و کلام و سبک جدید در منطق و بازتاب آن در مباحث علوم قرآن، تفسیر یا کتب تک‌نگاری داشته است. ویژگی نقادی و تحلیلگری، آزاداندیشی و عدم تعصب بر مذهب خاص و درعین حال دفاع یا نقد یک مذهب، ثروت خوب، جایگاه خوب اجتماعی و اتفاقاً محبوبیت او نزد علما، همه جزو عوامل تأثیرگذار در ماندگاری و کارآمدی مباحث علوم قرآن فخر رازی است. البته تأثیر تک‌نگاری او در علوم قرآن بسیار بیشتر از تأثیر علوم قرآن اندک او در حجم زیاد تفسیر ارزیابی می‌شود.

نتیجه

با اوصاف ذکرشده در مورد مهم‌ترین منابع علوم قرآن قرن ششم، تفسیر ابن عطیه از حیث تأثیرگذاری در مباحث علوم قرآن از کشف زمخشری موفق‌تر بوده است. تفسیر مجمع‌البیان با توجه به شروح و ترجمه و سطح استفاده مخاطبان در شیعه و اهل سنت و با لحاظ شخصیت متعادل طبرسی از حیث تأثیرگذاری اهمیت بیشتری دارد. با لحاظ تأثیرگذاری متوسط تک‌نگاری‌های راوندی و شاطبی، قدرت تأثیرگذاری و جریان‌سازی مجمع‌البیان طبرسی بسیار بیشتر از آثار راوندی و شاطبی است.

هرچند سبک ارائه استدلال برای اثبات اعجاز و غیره در کتاب اعجاز فخر رازی حایز اهمیت است، این کتاب به میزان آثار علوم قرآن ابن جوزی تأثیرگذار نبوده است. ضمن اینکه تفسیر کبیر با وجود حجم بسیار و داده‌های اندک علوم قرآن نمی‌تواند نقش یک کتاب جامع را حتی با تجمیع تک‌نگاری‌های فخر رازی ایفا کند؛ اما تک‌نگاری اعجاز او به‌خصوص با تلفیق اعجاز علمی و بلاغی، جریان خاص علمی را ایجاد کرد. در نتیجه به نسبت کتاب جامع فنون‌الافنان و تک‌نگاری‌های ابن جوزی، تأثیرگذاری آثار فخر رازی در علوم قرآن متوسط است؛ اما در قیاس با آثار شاطبی و راوندی، فخر رازی تأثیرگذاری بیشتری دارد.

کتاب فنون‌الافنان و نویسنده آن در دوره خود و دوره‌های بعد به‌حدی تأثیرگذار بوده که آنها را جریان‌ساز در تاریخ منابع علوم قرآن می‌دانیم. با توجه به نکات گفته‌شده، عوامل تأثیرگذار مختلفی در زمینه‌های فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و حتی اقتصادی در عصر ابن جوزی وجود داشت. هرچند به دلیل تعدد و کثرت نگارش‌های ابن جوزی، خطاهای نگارشی او محدود نیست، وی شخصیت تأثیرگذاری بوده که کتاب جامع فنون‌الافنان با تجمیع تک‌نگاری‌های او در علوم قرآن جریان‌سازی کرده است.

این تحقیق داده‌های تحلیلی را در مورد تأثیرگذاری فنون‌الافنان ابن جوزی و تک‌نگاری‌های علوم قرآن او و مهم‌ترین نگارش‌های علوم قرآن قرن ششم برای مخاطبان تخصصی رشته علوم قرآن بیان کرده است.

فهرست منابع

۱. ابن عماد حنبلی، عبدالحی (۱۹۸۶م)، شذرات الذهب، دمشق، دار ابن کثیر.
۲. ابن اثیر، عزالدین (۱۳۸۵)، الکامل فی التاریخ، بیروت، دار صادر و دار بیروت.
۳. ابن جزری، محمد بن محمد (بی تا)، النشر فی القراءات العشر، تحقیق علی محمد ضباع، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۴. ابن جوزی، عبدالرحمن بن علی (۱۴۰۷)، صید الخاطر، بیروت، [بی نا]، نرم افزار تراش ۲، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۵. _____ (۱۴۰۸ الف)، فنون الافنان فی عجائب القرآن، تحقیق محمد ابراهیم سلیم، قاهره، مکتبه ابن سینا.
۶. _____ (۱۴۰۸ ب)، فنون الافنان فی عجائب القرآن، تحقیق حسن ضیاء الدین عتر، بیروت، دار البشائر الاسلامیه.
۷. _____ (۱۴۱۲)، المنتظم فی تاریخ الملوک و الامم، تحقیق مصطفی عبدالقادر عطا، بیروت، [بی نا].
۸. _____ (۱۴۲۲ الف)، زاد المسیر فی علم التفسیر، تحقیق مهدی عبدالرزاق، بیروت، دار الکتب العربی.
۹. _____ (۱۴۲۲ ب)، فنون الافنان فی عجائب علوم القرآن، تحقیق صلاح فتحی هلال، [بی جا]، مؤسسه الکتب الثقافیه.
۱۰. _____ (۱۴۲۲ ج)، ناسخ القرآن و منسوخه، تحقیق الدانی بن منیر آل زهوی، بیروت، نرم افزار مشکات الانوار، مرکز تحقیقات کامپیوتری علوم اسلامی.
۱۱. _____ (۱۳۶۸)، تلبیس ابلیس، تحقیق خیرالدین علی، بیروت، دار الوعی العربی.

۱۲. ابن عطیه اندلسی، عبدالحق بن غالب (بی تا)، المحرر الوجیز فی تفسیر الكتاب العزیز، تحقیق عبدالسلام عبدالشافی، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۱۳. ابوشهبه، محمد محمد (۱۴۱۷)، المدخل لدراسة القرآن الکریم، ریاض، دار اللواء.
۱۴. اتکینسون، آر. اف. (۱۳۷۹)، فلسفه تاریخ، روش شناسی و تاریخ نگاری، ترجمه حسینعلی نوذری، تهران، طرح نو.
۱۵. اندرابی، احمد بن ابی عمر (۱۴۰۷)، قراءات القراء المعروفین بروایات الرواة المشهورین، به کوشش احمد نصیف جنابی، بیروت، دار العلم.
۱۶. انصاری، حسن (۱۳۹۴)، تلخیص المحصل میراث مکتوب، لندن، مؤسسه مطالعات اسماعیلی، با همکاری مؤسسه اسماعیلیان و مرکز علمی پژوهش های فرانسه.
۱۷. _____ (۱۳۷۷)، «مدخل ابن عطیه»، ابو محمد، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۱۸. آب روشن، مصطفی (۱۳۹۸)، «مقایسه تطبیقی سه پارادایم اثبات گرای، تفسیر گرای و انتقادی»، سایت جامعه شناسان جوان، ۱۹ مرداد ۱۳۹۸، در: <https://youngsociologists.com>.
۱۹. آزادارمکی، تقی (۱۳۸۳)، نظریه های جامعه شناسی، تهران، سروش.
۲۰. آل جعفر، مسلم (۱۹۸۰)، مناهج المفسرین، کویت، دار الکتب للطباعة و النشر.
۲۱. باقولی اصفهانی، علی بن حسین (۱۴۴۰)، جواهر القرآن و نتایج الصنعه، تحقیق محمد احمد الدالی، دمشق، دار القلم.
۲۲. بدوی الزهیری، عبدالعزیز (۱۳۸۰)، ابن عطیه المفسر و مکانه فی حیاة التفسیر فی الاندلس، رساله فوق لیسانس از دانشگاه اسکندریه مصر، دانشکده آداب.
۲۳. بلنسی، محمد بن علی (۱۴۱۱)، تفسیر مبهمات القرآن، تحقیق حنیف قاسمی، بیروت، دار الغرب الاسلامی.
۲۴. بیهقی جسمی، ابن کرامه (۱۴۴۰)، التهذیب فی التفسیر، ۱۰ ج، تحقیق عبدالرحمن بن سلیمان السالمی، قاهره: دار الکتب المصری و دار الکتب اللبنانی.
۲۵. پاکتچی، احمد، «مدخل ابو عبید قاسم بن سلام خزاعی»، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، ج ۵، تهران، بنیاد دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۶. حجتی، محمد باقر (۱۳۶۰)، پژوهشی در تاریخ قرآن کریم، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.

۲۷. حمیتو، عبدالهادی عبدالله (۱۴۲۵)، دراسة عن قصیدته حرز الامانی فی القراءات، ریاض، أضواء السلف.
۲۸. خوانساری، محمدباقر (۱۳۹۰)، روضات الجنات فی أحوال العلماء و السادات، تحقیق اسدالله اسماعیلیان، قم، انتشارات اسماعیلیان.
۲۹. دانی، عثمان بن سعید (۱۴۰۴)، التیسیر فی القرائات السبع، تصحیح اوتو تریزل، بیروت، دار الکتب العربی.
۳۰. دیاری، محمدتقی (۱۳۹۴ ش)، درآمدی بر تاریخ علوم قرآنی، قم، دانشگاه قم.
۳۱. داوودی، محمد (۱۴۰۳)، طبقات المفسرین، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۲. دینانی، غلامحسین (۱۳۷۶)، «عقل و استدلال در تفکر ابن جوزی»، مقالات و بررسی‌ها، دانشگاه تهران، ش ۶۱.
۳۳. ذکاوتی قراقرلو، علیرضا (۱۳۶۸)، ترجمه تلیس ابلیس ابن جوزی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۳۴. ذهبی، شمس‌الدین (۱۴۱۹)، تذکره الحفاظ، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۳۵. ذهبی، محمد بن احمد (بی تا)، التفسیر و المفسرون، بیروت، دار احیاء التراث العربی.
۳۶. راوندی، قطب‌الدین (۱۳۹۴)، فقه القرآن، تحقیق عباس بنی‌هاشمی بیدگلی، قم، منشورات امامت اهل بیت.
۳۷. _____ (۱۴۰۵)، فقه القرآن، تحقیق السید احمد الحسینی، به اهتمام السید محمود المرعشی، قم، نشر مکتبه آیه‌الله العظمی النجفی المرعشی.
۳۸. رحمتی، محمدکاظم (۱۳۹۳)، «تکنگاری فاج دربارۀ مجمع‌البیان و نکاتی دربارۀ آن»، آینه پژوهش، ش ۱۴۶، ص ۴۱-۴۸.
۳۹. زررور، عدنان محمد (۱۳۹۱)، الحاکم الجشمی و منهجه فی تفسیر القرآن، بیروت، مؤسسه الرساله.
۴۰. زرقانی، محمدعبدالعظیم (۲۰۰۱)، مناهل العرفان فی علوم القرآن، بیروت: دار المدار الاسلامی.
۴۱. زرکلی، خیرالدین (۱۹۸۹)، الاعلام، بیروت، دار العلم للملایین.
۴۲. زمخشری، جارالله (۱۳۸۹)، تفسیر کشاف، ترجمه مسعود انصاری، تهران، ققنوس.

۴۳. سعیدی‌زاده، رسول (۱۳۷۹)، «کتاب‌شناسی محکم و متشابه»، پژوهش‌های قرآنی، ش ۲۱ و ۲۲.
۴۴. سلمانی، پرویز (۱۳۷۵ش)، «مدخل تفسیر کبیر»، ش ۳۷۱۸، ج ۷، تهران، بنیاد دائرةالمعارف اسلامی.
۴۵. سیوطی، جلال‌الدین (۱۳۸۷)، الاتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد ابوالفضل ابراهیم، ج ۴ در ۲ مج، قاهره، دار الکتب العربی.
۴۶. شاطبی، قاسم‌بن فیره (بی‌تا)، حرز الامانی و وجه التهانی، قاهره، مکتبة الازهر، نرم‌افزار مشکات الانوار.
۴۷. شایسته‌نژاد، علی‌اکبر (۱۳۸۹)، طبری و مجمع‌البیان، تهران، خانه کتاب.
۴۸. شریف، میرمحمد (۱۳۷۰)، تاریخ فلسفه در اسلام، ترجمه نصرالله پورجوادی، تهران، مرکز نشر دانشگاهی.
۴۹. صالحی کرمانی، محمدرضا (۱۳۶۹)، درآمدی بر علوم قرآنی، تهران، جهاد دانشگاهی.
۵۰. صفا، ذبیح‌الله (۱۳۷۴)، تاریخ علوم عقلی در تمدن اسلامی، تهران، دانشگاه تهران.
۵۱. طبرسی، فضل‌بن حسن (۱۴۰۸)، مجمع‌البیان فی تفسیر القرآن، تصحیح سیدهاشم رسولی و سیدفضل‌الله یزدی، بیروت، دار المعرفه.
۵۲. عالم‌زاده، هادی (۱۳۷۷)، «مدخل ابن جوزی»، ج ۳، تهران، دائرةالمعارف بزرگ اسلامی.
۵۳. علوجی، عبدالحمید (۱۳۸۵)، مؤلفات ابن جوزی، بغداد: شركة دار الجمهوریة للنشر و الطبع.
۵۴. عماری، علی محمد حسن (۱۳۸۸)، الامام فخرالدین رازی: حیاته و آثاره، قاهره، [بی‌نا].
۵۵. فاخوری، حنا و خلیل الجر (۱۳۶۷)، تاریخ فلسفه در جهان اسلامی، ترجمه عبدالمحمد آیتی، تهران، [بی‌نا].
۵۶. فخر رازی، محمدبن عمر (۱۳۷۱)، تفسیر کبیر (مفاتیح‌الغیب)، ترجمه علی‌اصغر حلبی، تهران، اساطیر.
۵۷. _____ (۱۴۰۶)، نه‌ایة الاعجاز فی درایة الاعجاز، تحقیق بکری شیخ‌امین، بیروت، دار العلم الملایین.
۵۸. فی، برایان (۱۳۹۰)، پارادایم‌شناسی علوم انسانی، ترجمه مرتضی‌مردیها، تهران، پژوهشکده مطالعات راهبردی.

۵۹. مالک بن انس (بی‌تا)، موطأ، بیروت، دار الکتب العلمیه.
۶۰. محسنی تبریزی، علیرضا (۱۳۹۵)، روش تحقیق کیفی در مکاتب تفسیری (زمینه و کاربرد)، تهران، انتشارات اطلاعات.
۶۱. محمدپور، احمد (۱۳۹۲)، روش تحقیق کیفی ضدروش، تهران، جامعه‌شناسان.
۶۲. مرهون صفار، ابتسام (۱۴۳۵)، معجم الدراسات القرآنیة المطبوعة و المنخطوطه، بیروت، دار المقتبس.
۶۳. مکی بن ابی طالب، ابو محمد (۱۳۹۹)، الابانة عن معانی القرائات، تحقیق محیی‌الدین رمضان، دمشق، دار المأمون للتراث.
۶۴. موسوی دارابی، سیدعلی (۱۴۲۲)، نصوص فی القرآن، با اشراف محمد واعظزاده خراسانی، قم، بنیاد پژوهش‌های آستان قدس رضوی.
۶۵. مهدوی راد، محمدعلی (۱۳۸۴)، سیر نگارش‌های علوم قرآنی، تهران، هستی‌نما.
۶۶. والش، دلیو. اچ. (۱۳۶۳)، مقدمه‌ای بر فلسفه تاریخ، ترجمه ضیاء‌الدین علایی طباطبایی، تهران، امیرکبیر.